

ارتباط نیازهای بنیادین روانشناختی و
خودکارآمدی شغلی با رفتار نوآورانه

فرهاد کریمیان زاده

ارتباط نیازهای بنیادین روانشناختی و
خودکارآمدی شغلی با رفتار نوآورانه

فرهاد کریمیان زاده

ناشر: عاصم

صفحه آرای: واحد هنری انتشارات عاصم

نوبت چاپ: اول/ ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۱۶-۶۴-۰۰

قیمت روی جلد: ۴۰۰/۰۰۰ ریال

سرشناسه: کریمیان زاده، فرهاد ۱۳۵۳-

عنوان و نام پدیدآور: ارتباط نیازهای بنیادین روانشناختی و خودکار
آمدی شغلی با رفتار نوآورانه/ فرهاد کریمیان زاده.

مشخصات نشر: تبریز: انتشارات عاصم، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۱۶-۶۴-۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص: ۱۲۱-۱۲۴.

موضوع: معلمان مدرسه‌های ابتدایی -- ایران -- روان‌شناسی --

نمونه پژوهی

موضوع: Elementary school teachers-- Iran -- psychology

-- Case studies

موضوع: شخصیت و شغل -- ایران -- نمونه پژوهی

موضوع: Personality and occupation-- Iran-- Case studies

موضوع: نیاز (روان‌شناسی)

موضوع: (Need Psychology)

موضوع: ارتباط بین اشخاص -- ایران -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: Interpersonal communication -- Psychological

aspects -- Iran

رده بندی کنگره: LB۱۷۷۶/۴

رده بندی دیویی: ۳۷۲/۱۱۰۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۷۷۲۵۶

موضوع پخش: نشر عاصم: ۹۱۴۵۸۴۳۵۲.

پست الکترونیک ناشر: nashtre.aseem@gmail.com فروش اینترنتی کتاب: www.aseembook.ir

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب از چاپ کپی، تکثیر، ذخیره در سیستم‌های بازاریابی محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۷

فصل اول: مفاهیم بنیادین

الف: تعاریف مفهومی.....	۲۷
ب: تعاریف عملیاتی.....	۲۸

فصل دوم: مبانی نظری

نیازهای روانی.....	۳۳
۱. ساختار نیاز.....	۳۴
الف. رویکرد اگانیز می به انگیزش.....	۳۴
ب. دیالکتیک انسان-محیط.....	۳۵
۲. نیازهای روان شناختی ارگانیز می.....	۳۵
الف. خودمختاری.....	۳۶
- درک منبع علیت.....	۳۶
- اراده.....	۳۶
- درک انتخاب.....	۳۷
ب. حمایت کردن از خودمختاری.....	۳۷

۳۸	پ. حمایت لحظه به لحظه از خودمختاری
۳۸	ت. شیوه با انگیزه کردن حامی خودمختاری
۳۹	ث. شایستگی
۳۹	ج. چالش بهینه و روانی
۴۰	ح. وابستگی متقابل چالش و بازخورد
۴۰	چ. تحمل شکست
۴۱	خ. حمایت کردن از شایستگی
۴۱	د. ارتباط
۴۱	ذ. ارضا کردن ارتباط
۴۲	نیازهای بنیادین روان شناختی
۴۶	سلسله مراتب نیازهای مازلو
۴۶	الف. نیازهای انسان
۴۶	اول: نیازهای فیزیولوژیکی
۴۶	دوم: نیازهای ایمنی
۴۷	سوم: نیازهای تعلق پذیری و عشق
۴۷	چهارم: نیازهای احترام
۴۷	پنجم: نیاز خودشکوفایی
۴۷	ب. نیاز از دیدگاه کارن هورنای
۴۹	پ. نیازهای روانی از دیدگاه هنری موری
۴۹	- نیاز به پیشرفت
۴۹	- نیاز به پیوند جویی
۴۹	- نیاز به طرد
۵۰	- نیاز به مهر طلبی
۵۰	- نیاز به خویشتن پایی
۵۰	- نیاز به نظم
۵۰	- نیاز به فهم

۵۰	- نیاز به نمایش.....
۵۰	- نیاز به تسلط.....
۵۱	- نیاز به دنبال‌ه‌روی.....
۵۱	- نیاز به خودمختاری.....
۵۱	ت. نیازهای روان‌شناختی از دیدگاه جولین راتر.....
۵۲	خودکارآمدی شغلی.....
۵۸	۱. تاریخچه خودکارآمدی.....
۵۹	۲. انواع خودکارآمدی.....
۶۰	۳. رویکرد شناختی-اجتماعی خودکارآمدی.....
۶۱	۴. مؤلفه‌های خودکارآمدی.....
۶۱	۵. منابع باور خودکارآمدی.....
۶۱	الف. تجربیات ماهرانه یا موفقیت‌آمیز.....
۶۲	ب. تجربیات الگوبرداری.....
۶۳	پ. ترغیب اجتماعی.....
۶۴	ت. حالت‌های عاطفی و فیزیولوژی.....
۶۵	رفتار نوآورانه.....
۶۸	۱. مراحل رفتار نوآورانه.....
۶۸	مرحله اول: کشف و شناسایی ایده.....
۶۸	مرحله دوم: تولید ایده.....
۶۹	مرحله سوم: پشتیبانی ایده.....
۶۹	مرحله چهارم: اجرای (پیاده‌سازی) ایده.....
۷۰	۲. عامل‌های مؤثر بر رفتار نوآورانه.....
۷۰	۳. رفتار نوآورانه معلمان.....
۷۷	شاخصه‌های نوآورانه معلم در بعد شناختی.....
۸۰	شاخصه‌های نوآورانه معلم در بعد مهارتی.....
۸۴	شاخصه‌های رفتار نوآورانه معلم به عنوان یک نیروی انسانی.....

فصل سوم: روش شناسی

۸۹	روش پژوهش
۸۹	جامعه آماری، حجم نمونه و شیوهی نمونه گیری
۸۹	ابزار گردآوری داده ها
۸۹	۱. خودکارآمدی شغلی
۹۰	۲. نیازهای بنیادین روان شناختی
۹۱	۳. رفتارهای نوآورانه
۹۲	۴. روایی ابزار گردآوری داده ها
۹۲	الف. روایی پرسشنامه نیازهای بنیادی
۹۲	ب. روایی پرسشنامه خودکارآمدی شغلی
۹۲	پ. روایی پرسشنامه رفتار نوآورانه
۹۲	۵. پایایی ابزار گردآوری داده ها
۹۲	الف. پایایی پرسشنامه نیازهای بنیادی
۹۳	ب. پایایی پرسشنامه خودکارآمدی شغلی
۹۳	پ. پایایی پرسشنامه رفتار نوآورانه
۹۳	شیوهی تجزیه و تحلیل

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۹۷	یافته های توصیفی
۹۷	۱. جنسیت
۹۸	۲. سن
۹۸	۳. سابقه خدمت
۹۸	۴. تحصیلات
۹۹	میانگین و انحراف استاندارد متغیرها و مؤلفه های پژوهش
۱۰۰	تحلیل استنباطی داده ها
۱۰۰	- بررسی فرض نرمال بودن داده ها

یافته‌های مرتبط با فرضیه‌های پژوهش ۱۰۰

فصل پنجم: بحث و تفسیر یافته‌ها

خلاصه یافته‌های پژوهش ۱۱۳

یافته‌های پژوهشی ۱۱۶

پیشنهادهای ۱۱۷

۱. پیشنهادهای کاربردی ۱۱۷

۲. پیشنهادهای پژوهشی ۱۱۷

محدودیت‌های پژوهش ۱۱۸

۱. محدودیت‌های در اختیار پژوهشگر ۱۱۸

۲. محدودیت‌های خارج از اختیار پژوهشگر ۱۱۸

منابع ۱۲۱

پیوست‌ها ۱۲۵

مقدمه

با پیشرفت روزافزون دانش و فناوری و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند پرورش انسان‌هایی است که بتوانند با روشی خلاقانه با مشکلات روبه‌رو شده و به حل آن‌ها بپردازند. با این رویکرد نیاز به آموزش، تقویت خلاقیت و ایجاد افکار نو برای رسیدن به جامعه‌ای شکوفا از اهمیت خاصی برخوردار است (علیرضایی و تولایی، ۱۳۸۷).

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین سازمان‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن جامعه ایفا می‌کند (صافی، ۱۳۸۶). این مسئله به ویژه در آموزش و پرورش دوره ابتدایی از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود، زیرا آموزش و پرورش دوره ابتدایی تکوین بخش رشد شناختی، زیستی و اجتماعی دانش‌آموزان بوده، با انتقال اعتقادات، اخلاق، رسوم، هنجارها، ارزش‌ها و مهارت‌ها به نسل جدید و فراهم کردن زمینه مناسب برای رشد استعدادها و قابلیت‌های بالقوه دانش‌آموزان موجب شکوفایی استعداد و افزایش عملکرد تحصیلی آنان می‌شود (حیدری پور و همکاران، ۱۳۸۱) که تمامی این اهداف در گرو نوآوری در آموزش و پرورش می‌باشد. نوآوری در آموزش و پرورش به تلاش‌هایی اطلاق می‌شود که برای تغییر در نظام آموزشی

۱. - حیدری پور، معصومه؛ فروغی‌ابری، احمدعلی و سلیمی، قربانعلی (۱۳۸۱)، بررسی شیوه‌های انتخاب معلم از دیدگاه معلمان، مدیران و مسؤولین استان کهگیلویه و بویراحمد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه اصفهان.

و به طور آگاهانه و هدفدار برای بهبود بخشیدن به نظام موجود صورت می‌گیرد (سام خانیان و همکاران، ۱۳۸۲). نمودهایی از نوآوری در این حوزه عبارت است از: نوآوری در روش‌های تدریس، نوآوری در استفاده از رسانه‌های کمک‌آموزشی و نوآوری در شیوه‌های ارتباط بین معلمان و دانش‌آموزان (هاشمی و ملایی نژاد، ۱۳۸۹). نوآوری فردی معلمان در محیط کار پایه اصلی ارتقای عملکرد هر سازمان آموزشی است. بنابراین، مطالعه بر روی انگیزه‌ها و عوامل ایجادکننده این نوآوری از اهمیت خاصی برخوردار است (اسکات و بروس^۱، ۱۹۹۴).

صالحی و دانایی‌فرد (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که سرمایه فکری به‌طور مستقیم، رفتار نوآورانه را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، اما با مداخله تسهیم دانش، این رابطه تقویت می‌شود. در پژوهشی دیگر تقوی (۱۳۹۴) نشان داد که وضعیت رفتار نوآورانه معلمان به‌گونه‌ای معنادار بالاتر از حد متوسط است. ابراهیم پور، حسین نژاد، نعمتی و تقی پور (۱۳۹۴) نشان دادند که بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن با رفتار نوآورانه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

با توجه به متاثر بودن رفتار نوآورانه از مسائل مختلف، و تأثیری که می‌تواند عواملی چون خودکارآمدی بر نوآوری بگذارد، بی‌شک تحلیل و تصدیق این رابطه یک مسئله‌ی مهم و تا حدودی مبهم می‌باشد. چنان‌که پروین و جان^۲ (۱۹۹۷) بر این باورند که یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار نوآورانه می‌تواند خودکارآمدی افراد باشد. و از طرفی بندورا (۱۹۸۶) بر این باور است خودکارآمدی می‌تواند بین کارآفرینان موفق و ناموفق تفکیک قائل شود. چون افراد دارای خودکارآمدی بالا تمایل به پشت‌کار و نوآوری بیشتری دارند و چون قبول کسب‌وکار جدید بر از مشکلات است خودکارآمدی بالا ممکن است برای پیگیری کار ضروری باشد. یا کونن و همکاران (۲۰۰۰) در تصدیق نظر بندورا افراد نوآورتر را خودکارآمدتر می‌دانند.

1. - Scatt & Bruce

2. - Pervin & John

خودکارآمدی^۱ از نظریه شناخت اجتماعی^۲ آلبرت بندورا^۳ (۱۹۹۷) روان‌شناس مشهور، مشتق شده است که به باورها یا قضاوت‌های فرد به توانائی‌های خود در انجام وظایف و مسئولیت‌ها اشاره دارد. نظریه شناخت اجتماعی مبتنی بر الگوی علی سه‌جانبه رفتار، محیط و فرد است. این الگو به ارتباط متقابل بین رفتار، اثرات محیطی و عوامل فردی (عوامل شناختی، عاطفی و بیولوژیک) که به ادراک فرد برای توصیف کارکردهای روان‌شناختی اشاره دارد، تأکید می‌کند. بر اساس این نظریه، افراد در یک نظام علیت سه‌جانبه بر انگیزش و رفتار خود اثر می‌گذارند. بندورا^۴ (۱۹۹۷) اثرات یک‌بعدی محیط بر رفتار فرد که یکی از فرضیه‌های مهم روان‌شناسان رفتارگرا بوده است، را رد کرد. انسان‌ها دارای نوعی نظام خودکنترلی و نیروی خودتنظیمی هستند و توسط آن نظام بر افکار، احساسات و رفتارهای خودکنترل دارند و بر سرنوشت خود نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

خودکارآمدی در فرهنگ روان‌شناسی و روان‌پزشکی به صورت باورهای شخص در مورد توانایی کنار آمدن با موقعیت‌های متفاوت تعریف شده است (عبداللهی، ۱۳۸۵) و منظور از آن، ارزیابی فرد از توانایی‌هایش به منظور انجام موفقیت‌آمیز یک مجموعه از اقدامات لازم به منظور دستیابی به هدف است (زاجاکوآ^۵ و همکاران، ۲۰۰۵). در حقیقت، باورهای خودکارآمدی، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی میزان دستیابی به هدف نهایی بوده (رجبی و همکاران، ۱۳۸۴)^۶ و به عنوان مهم‌ترین مکانیزم‌های کارگزاری شخصی، در جهت اعمال کنترل در نظر گرفته می‌شوند (امام‌جمعه، ۱۳۸۶). بندورا نیز معتقد است که باورهای

1. - Self-efficacy

2. - Social cognition Theory

3. - Bandora

4.

5. - Zajacova

۶. - رجبی، غلامرضا؛ حقیقی، جمال؛ شهنی ییلاق، منیژه و شکرکن، حسین (۱۳۸۴). بررسی رابطه علی جنسیت، عملکرد قلبی ریاضی، منابع خودکارآمدی ادراک‌شده ریاضی، هدف‌گذاری، باورهای خودکارآمدی ریاضی و سبک‌های اسنادی با عملکرد بعدی ریاضی در دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های شهر اهواز، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۳، ۱۰۱-۳۶.

خودکارآمدی بر ادراکات شخص از عملکرد فردی اش مبتنی است (کورت^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) و از این رو خودکارآمدی ارتباط زیادی با عملکرد دارد (کوتینو و نیومن^۲، ۲۰۰۸). به تبع این تعاریف، خودکارآمدی در تدریس می تواند بیانگر وضعیت معلمی باشد که دوست دارد دانش آموزان را به چالش بکشد و از طریق پرسش از آن ها، میزان موفقیت دانش آموزان را بررسی کرده و ارتقا دهد (دار اسمولک^۳، ۲۰۰۴). امور و همکاران برای اولین بار خودکارآمدی معلمان را به عنوان حدی که معلم باور دارد که ظرفیت تأثیرگذاری بر یادگیری دانش آموزان را داراست، تعریف کرده اند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۱). به طور مشابه دلینگر و همکاران خودکارآمدی معلمان را باورهای فردی آن ها درباره توانایی های خودشان بر انجام وظایف یاددهی-یادگیری موفقیت آمیز در بافت کلاسی خودشان تعریف کرده اند (دلینجر^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس نظریه فریدمن و کاس نیز خودکارآمدی معلم به معنای این است که معلم تلاش می کند معتقد است که می تواند روی رفتار و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به ویژه آن هایی که مشکلات زیاد و انگیزه یادگیری پایینی دارند، تأثیر بگذارد (فریدمن و کاس^۵، ۲۰۰۲).

بندورا (۱۹۹۷) مطرح می کند که خودکارآمدی، توان سازنده ای است که بدان وسیله، مهارت های شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق اهداف مختلف، به گونه ای اثربخش ساماندهی می شود. به نظر وی داشتن دانش، مهارت ها و دستاوردهای قبلی افراد پیش بینی کننده های مناسبی برای عملکرد آینده افراد نیستند، بلکه باور انسان درباره توانایی های خود در انجام آن ها بر چگونگی عملکرد خویش مؤثر است. بین داشتن مهارت های مختلف با توان ترکیب آن ها به روش های مناسب برای انجام وظایف در شرایط گوناگون، تفاوت آشکار وجود دارد. «افراد کاملاً می دانند که باید چه وظایفی را انجام دهند

1. - Kurt

2. - Coutinho & Neuman

3. - Dra-Smolleck

4. - Dellinger

5. - Friedman & Kass

و مهارت‌های لازم برای انجام وظایف دارند، اما اغلب در اجرای مناسب مهارت‌ها موفق نیستند» (بندورا، ۱۹۹۷).

سلامت تنها نیروی مورد هدف است که دارای ابعاد جسمی و روانی است. از سوی دیگر ارضای نیازهای اساسی شرایط لازم برای رشد و بالندگی، انسجام‌یافتگی و بهزیستی روان‌شناختی فراهم می‌کنند. انسان‌ها نیازهای فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی دارند، که رضایت آنان از زندگی را فراهم می‌آورد. در قرن گذشته دیدگاه‌های مختلفی درباره نیازهای اساسی انسان‌ها توسعه و تکامل یافته است. در این راستا رویکرد طرفداران ذاتی بودن نیازها و معتقدین به اکتسابی بودن نیازها در طول زمان قابل استناد می‌باشد. صرف‌نظر از مناقشات نظری، تحقیقات در حوزه نیازها در سال‌های اخیر بر توسعه و گسترش نیازهای بنیادی روان‌شناختی تمرکز داشته است. یکی دیگر از عواملی که شاید بتواند بر رفتار نوآورانه تأثیرگذار باشد نیازهای بنیادین است. «پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که ارضای نیازهای بنیادین، پیامدهای مثبت متعدد مثل بهزیستی، نوآوری، شکوفایی، عملکرد و پشت‌کار دارد و از پیامدهای منفی مثل ناخوش‌حالی و ترک درمان جلوگیری می‌کند» (شلدون، الیوت، کیم و کسر، ۲۰۰۱). یا شالدون و نیمیک (۲۰۰۶) که بر اساس یافته‌های پژوهش به این باورند که ارضای نیازهای بنیادین خود پیروی، خلاقیت، نوآوری، شایستگی و تعلق با بهزیستی را در پی خواهد داشت.

برخی نظریه‌پردازان از جمله دوئک (۲۰۰۰) و پلکس، گرنست و دوئک (۲۰۰۵)، معتقدند که جهت‌گیری‌های هدف (یا هدف‌های پیشرفت)، تابعی از نظریه‌های مختلف درباره‌ی طبیعت هوش هستند. دوئک (۱۹۹۹، ۲۰۰۲، ۲۰۰۷) معتقد است که نظریه‌های هوش (باورهای هوشی)، نوع گرایش به هدفی را که دانش‌آموز برخواهد گردید، تعیین می‌کند. خودشناسی از طریق پردازش مهارت‌های شناختی، انگیزشی و عاطفی که عهده‌دار انتقال دانش و توانایی‌ها به رفتار ماهرانه هستند، فعال می‌شود. به‌طور خلاصه، خودکارآمدی به داشتن مهارت یا مهارت‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه داشتن باور به توانایی انجام کار در موقعیت‌های مختلف شغلی، اشاره دارد. بی‌شک نیازهای بنیادین می‌تواند

نیروی محرک و عامل اثرگذار بر رفتار نوآورانه در معلمان باشد. نیازهای بنیادینی مثل پیوند جویی و صمیمیت، همراه با شایستگی، پیشرفت و تسلط (قدرت)، بنیان‌های انگیزشی برای رفتارها و تصمیمات مختلف در محیط کار هستند. چنان‌که (هنفس تیگل و همکاران ۲۰۱۰) یکی از آورده‌های نیازهای بنیادین را ایجاد رفتار خلاق و نوآورانه برمی‌شمرد.

انجام وظایف توسط افراد مختلف با مهارت‌های مشابه در موقعیت‌های متفاوت به صورت ضعیف، متوسط و یا قوی و یا توسط یک فرد در شرایط متفاوت به تغییرات باورهای کارآمدی آنان وابسته است. مهارت‌ها می‌توانند به آسانی تحت تأثیر خودشکی^۱ یا خود تردیدی قرار گیرند، در نتیجه حتی افراد خیلی مستعد در شرایطی که باور ضعیفی نسبت به خود داشته باشند، از توانایی‌های خود استفاده کمتری می‌کنند (بندول، ۱۹۹۷). به همین دلیل، احساس خودکارآمدی، افراد را قادر می‌سازد تا با استفاده از مهارت‌ها در برخورد با موانع، کارهای فوق‌العاده‌ای انجام دهند (وایت^۲، ۱۹۸۲؛ نقل از سولیوان و ماهالیک^۳، ۲۰۰۰). در صورتی که نیازهای روان‌شناختی برآورده شوند، احساس اعتماد به نفس و خود ارزشمندی در افراد شکل می‌گیرد، اما در صورت برآورده نشدن این نیازهای مهم، فرد ادراک شکننده، منفی، بیگانه و انتقادآمیز از خود پرورش خواهد داد (چن و جانگ^۴، ۲۰۱۰).

بر اساس آنچه ذکر شد می‌توان چنین فرض کرد که تا اندازه‌ای بین نیازهای بنیادین و خودکارآمدی شغلی با رفتار نوآورانه معلمان رابطه معنا دار وجود دارد. بنابراین، خودکارآمدی درک شده عاملی مهم برای انجام موفقیت‌آمیز عملکرد و مهارت‌های اساسی لازم برای انجام آن است. نیازهای بنیادی روان‌شناختی از مبانی مهم بهزیستی و انگیزش درونی در عرصه‌های گوناگون زندگی از جمله خلاقیت به شمار می‌رود. این نیازها عبارت‌اند از نیاز به خودمختاری، نیاز به شایستگی و نیاز به ارتباط. از این رو سؤال اصلی پژوهش این است که

1. Self-doubt

2. White

3. Sullivan & Mahalik

4. Chen&jang

آیا بین نیازهای بنیادین و خودکارآمدی شغلی معلمان با رفتار نوآورانه معلمان رابطه وجود دارد؟

نظریه‌های مختلف روان‌شناختی، نیازهای انسان را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. این نیازها در سطوح متفاوت مورد توجه قرار گرفته‌اند. در بین نیازهای متعدد انسانی، نیازهای بنیادین، به دلایل مختلف، از جمله ثبات و استحکام آن‌ها در طول زمان؛ تأثیرات عمیق و اساسی آن‌ها بر رفتار و شخصیت؛ نقش تعیین‌کننده آن‌ها در مراحل رشد و تحول؛ و روی هم رفته پیامدهای مثبت و منفی آن‌ها در زمینه‌های درون شخصی و بین شخصی، جایگاه و اهمیت ویژه دارند و مرکز توجه پژوهشگران و محور اصلی مباحث نظریه‌های نیاز محور روان‌شناختی قرار داشته‌اند (بشارتی و کلاگری، ۱۳۹۲: ۱۴۸). یعنی بررسی نیازهای بنیادی و مهم در میان معلمانی که قصد در تربیت نسل بعدی جامعه را دارند می‌تواند در عرصه‌ی تعلیم و تربیت موضوع مهمی باشد. چراکه وجود معلمان باصلاحیت، دقیق و با کارآمدی بهتر دانش آموزان بهتری را به دنیای ارائه می‌دهد.

خودکارآمدی پایین معلمان تأثیرات منفی همچون صرف زمان کم در موضوع درسی، عدم انتخاب راهبردهای آموزشی مناسب در کلاس درس، عدم احساس مسئولیت در برابر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و... را به دنبال دارد. معلمانی که دارای باورهای خودکارآمدی بالایی هستند، بیشتر پذیرای روش‌های دانش آموز محور بوده و تعهد بیشتری نسبت به امر تدریس دارند. به نظر آشتون (۱۹۸۴) مواردی از قبیل احساس پیشرفت شخصی، انتظار مثبت برای پیشرفت تحصیلی و رفتار دانش آموز، احساس مسئولیت برای یادگیری دانش آموز، اتخاذ شیوه‌هایی برای رسیدن به اهداف، عاطفه مثبت، داشتن احساس کنترل و یکی شدن اهداف معلم و دانش آموز به باورهای خودکارآمدی معلم مرتبط می‌باشد. معلمان برای ایجاد کردن فضای خلاق در کلاس و پرورش توانمندی‌های دانش آموزانشان باید خودکارآمدی را بشناسند و نسبت به آن نگرشی مثبت داشته باشند. همچنین معلمان باید از مهارت‌های تدریس خلاق و راهکارهای پرورش خلاقیت آگاهی داشته باشند و دوره‌های آموزشی لازم را در این زمینه بگذرانند. شاید یکی از عواملی که موجب رفتار

نوآورانه در میان معلمان می‌گردد وجود خودکارآمدی در آنان باشد.

از آنجایی که نوآوری در آموزش و پرورش به تلاش‌هایی اطلاق می‌شود که برای تغییر در نظام آموزشی و به‌طور آگاهانه و هدفدار برای بهبود بخشیدن به نظام موجود صورت می‌گیرد (سام خانیان، جهانیان و مرتضایی، ۱۳۸۲). نوآوری فردی معلمان در محیط کار پایه اصلی ارتقای عملکرد هر سازمان آموزشی است بنابراین، مطالعه بر روی انگیزه‌ها و عوامل ایجادکننده این نوآوری از اهمیت خاصی برخوردار است (اسکات و بروس، ۱۹۹۴).

لذا پژوهشی جامع که بتواند عواملی چون نیازهای بنیادین و خودکارآمدی شغلی را در رفتار نوآورانه‌ی معلمان موردسنجش و بررسی قرار دهد، می‌تواند حاوی نتایجی مهم و دارای اهمیت در علوم تربیتی باشد، یعنی انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

www.ketab.ir